

مصاحبه اخیر منصور اسانلو

و تلاش مذبحانه رفرمیسم راست برای توجیه آن

جمشید کارگر

ششم فروردین ماه هشتاد و هفت

روزنامه نوز و وابسته به بخشی از ارتجاع بورژوازی ایران مصاحبه ای از منصور اسانلو را در شماره روز ۲۲ اسفند خود درج کرده است. اسانلو در این مصاحبه ضمن ستایش این بخش از بورژوازی ایران از همه کارگران خواسته است که با شرکت در انتخابات دولت سرمایه داری، به کاندیداهای باند دوم خرداد رأی دهند. اسانلو بسیار صریح تأکید کرده است که:

« اینجانب کاملاً به صورت مستقل و به دور از فضا سازی های سیاسی در زمینه انتخابات مطالعه و بررسی کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که تنها راه حفظ دستاوردهای انقلاب عظیم ایران که همان استقلال، آزادی و پیشرفت است در رای به یاران خاتمی به دست خواهد آمد»

اسانلو گفته است که دار و دسته دوم خرداد، زمانی که نقش مسلط را در دولت و پارلمان داشته اند با ایشان و هم فکran او همکاری بسیار نزدیک داشته اند و در کار برپائی سندیکای شرکت واحد کمک های بسیار زیادی به او نموده اند. « ما در دولت اصلاحات توانستیم براساس توافق وزیر کار دولت خاتمی و نمایندگان ILO سندیکای اتوبوس رانان را در سال ۱۳۸۴ به طور کاملاً قانونی راه اندازی کنیم و حتی دیدارهایی نیز با وزیر وقت و مسئولان داشته باشیم»

سخنان اسانلو در این مصاحبه براساس مواضع سندیکالیستی رفرمیستی ایشان در ارتباط با انتخابات رژیم اسلامی سرمایه بوده است که به هیچ وجه تازگی ندارند و نباید باعث شگفتی گردند، ایشان بارها اعتقادش را به فعالیت قانونی در چارچوب رژیم بیان داشته است. بدفعات پایبندیش به نظام و دولت سرمایه داری ایران را متذکر گردیده است. از لحاظ عملی نیز فعالیت هایش در چارچوب رفرمیسم با گرایش ائتلاف با بخشی از بورژوازی ایران (اصلاح طلبان)، سازمان جهانی کار سرمایه و اتحادیه های کارگری ابزار کار سرمایه بین المللی بوده است.

حمایت های تاکنونی سازمان جهانی کار، اتحادیه های ضد کارگری تحمیل شده بر طبقه کارگر دنیا، محافل مختلف سرمایه داری جهانی و بالاخره دار و دسته دوم خرداد از اسانلو نیز دقیقاً با توجه به همین رویکرد و همین مضمون فعالیت هایش بوده است.

بر اساس سیاست سه جانبه گرایی متناظر بر مواضع اسانلو، اعتصاب کارگران واحد نیز نه تنها خواست ایشان و رفرمیست های راست سندیکالیستی نبود بلکه ایشان و یارانش با آن مخالف بودند.

این اعتصاب ضرورت مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری توده های کارگر راننده برای تحمیل مطالبات برحق اشان

بر نظام جنایتکار سرمایه داری بود. مانند تمامی اعتصابات که در حوزه های مختلف کار و تولید در ایران جریان داشته و هم اکنون نیز جریان دارد. تمام تلاش رفرمیسم راست سندیکالیستی و شخص اسانلو و یارانش در آن ایام این بود که این اعتصاب پرشور را وسیله متقاعد ساختن بورژوازی به پذیرش و برسمیت شناختن سندیکا کنند. مواضع اسانلو چنین بوده و در حال حاضر نیز چنین است و هیچ گونه تغییری در آن بوجود نیامده است.

بدیهی است که حتی رفرمیسم راست سندیکالیستی هم در ایران و جوامع مشابه آن از جانب بورژوازی و دولتش پذیرفته نمی شود و از همین روست که اسانلو بر غم تعلق به طیف رفرمیسم راست سندیکالیستی و تمام نکاتی که در مورد رویکرد ایشان برشمردم در سال های اخیر مورد پیگرد دولت بورژوازی و در معرض زندان و شکنجه و جنایات این رژیم بوده است. ناگفته نماند که جناح «اصلاح طلبان حکومتی» یا خارج از حاکمیت نیز رفرمیسم راست را صرفاً در حد یک وسیله برای رقابت با حریفان در مجادلات درونی خود می خواهند و زمانیکه همین مطالبات نازل معیشتی از جانب رفرمیست های راست سندیکالیست مطرح شود با آن همان برخورد را خواهند کرد که هم اکنون بخش مسلط و حاکم بورژوازی می کند.

در باره علل حمایت بی قید و شرط رفرمیسم چپ و راست از اسانلو بارها در نوشته های فعالین ضد سرمایه داری جنبش طبقه کارگر توضیح داده شده است و در مورد علت وحدت اساسی این طیف با اسانلو و فقدان هر نوع حساسیت آنان در مورد تعلق اسانلو به بخشی از رژیم بطور مبسوط بحث شده است، بویژه در مورد رفرمیسم چپ که یکی از مشخصه های اساسی اش رژیم ستیزی فاقد هر گونه بار طبقاتی و سوسیالیستی و کارگری می باشد.

از آنجاییکه اسانلو با تمام این رویکرد و تعلق سیاسی و اجتماعی اش، شریک مستقیم بورژوازی نبوده و نیست و در حال حاضر بعنوان یک کارگر مورد شکنجه و آزار دولت جنایتکار اسلامی سرمایه قرار دارد، وظیفه هر کارگر و هر انسان معترض به توحش سرمایه داری است که علیه اسارت و شکنجه و آزار ایشان با تمام قوا اعتراض کند.

نکات بسیار فشرده بالا توضیح واضح است و بارها در گفته ها و نوشته ها فعالین ضد سرمایه داری بطور مفصل تر شرح داده شده است. مسئله اصلی این نوشته چیز دیگری است که بطور خلاصه به آن می پردازم:

عده ای در رابطه با این مصاحبه اسانلو اطلاعیه ای صادر نموده اند و در آن نوشته اند که آقای اسانلو این مصاحبه را در زندان انجام داده است و مصاحبه درون زندان بی اعتبار است. راستش اینها آدمهای عجیب و غریبی هستند و دفاع از سندیکالیسم راست و ضدیت با هر عمل ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی آنان را به روزی انداخته است که حاضرند هر پرنسیپ و ملاک معتبر انسانی را هم زیر پای بگذارند. حرف این آدم تعبیرات مختلفی دارد. تعبیراتی که هر کدام از دیگری غیر واقعی تر و بی معنی تر است.

برداشت نخست از حرف این جماعت سندیکالیست راست این است که شاید اسانلو این مصاحبه را انجام نداده است. همان گونه که در این نوشته بصورت کوتاه توضیح دادم اسانلو همواره به این باورها و تعلقات سیاسی اذعان داشته است. او یک سندیکالیست راست رفرمیست است و با طیف دوم خرداد نیز هیچ گونه اختلافی ندارد. فرق اسانلو با سندیکالیست های راست خارج کشوری مدافع او این است که بویژه در قیاس با جماعت نگارنده اطلاعیه بالا آدم واقعاً صادق تری است و بطور صریح تعلقات اجتماعی و سیاسی خود را بیان می کند. طرفداران خارج کشوری اسانلو بر عکس خود ایشان آدم های بسیار ناصادقی هستند و در تمامی عمرشان واقعیت سیاسی خود را وارونه جلوه داده اند.

از این که بگذریم مصاحبه اسانلو به نفع دار و دسته مسلط رژیم نبوده است. بلعکس او حد اقل به زعم خودش شهادت نشان داده که دوم خردادادی بودن خود را به رغم ناخوشایندی جناح مسلط رقیب دوم خردادادی ها از درون زندان اعلام کرده است. بنابراین تلاش سندیکالیست ها برای غیر واقعی جلوه دادن مصاحبه اسانلو بسیار مذبوحانه است. دومین برداشت از حرف سندیکالیست های راست اگر خیلی خوشبین باشیم این است که وقتی یک زندانی شروع به ستایش از دولت بورژوازی یا بخشی از آن می کند باید اساس را بر مجبور بودن او گذاشت و به همین دلیل نه او بلکه رژیم را محکوم کرد. در این تعبیر نیمی از حقیقت نهفته است اما نیمی از حقیقت که برای پوشاندن دروغ به کار گرفته می شود.

معلوم است که در این گونه موارد باید تمام اعتراض و محکوم کردن ها متوجه دولت سرکوب گر بورژوازی باشد اما این به هیچ وجه به این معنی نیست که سازش و تسلیم افراد مورد ستایش قرار گیرد. هر چند باز هم تکرار می کنم که در مورد اسانلو بنا به تمام دلایلی که برشمردم ضرورتی ندارد که این مصاحبه را اجباراً و بزور انجام داده باشد و این قضیه نباید از نوع سازش و تسلیم ارزیابی گردد. ایشان هرچه در این مصاحبه بر زبان رانده است متناظر بر مواضع و تعلقات سیاسی و اجتماعی اش بعنوان یک سندیکالیست راست می باشد.

سومین برداشت این است که صادر کنندگان اطلاعیه یا همان محفل خارج کشوری سندیکالیست های راست در گفته های خود در اطلاعیه مورد بحث، هر پرنسپیی را زیر پا گذاشته و همه معیارهای معتبر رایج میان فعالین کارگری را لوٹ کرده اند. منظورم دقیقاً این است که این آقایان از شدت عشق به سندیکالیسم حاضر شده اند راست ترین شکل سازش اسانلو با بخشی از ارتجاع بورژوازی ایران یعنی دار و دسته اصلاح طلبان را هم مورد چشم پوشی قرار دهند و ارتجاعی و ضد کارگری بودن سازش با رژیم را به صرف زندانی بودن ایشان توجیه کنند.

جمشید کارگر

۲۳ مارش ۲۰۰۸